

فرهاد و شیرین آصف خان قزوینی

سید علی آل داود

بعد از شیخ نظامی، خسرو و شیرین
را کسی به از او نگفته است.
تذکره نصرآبادی

پس از نظامی، داستان سرای نامی و آفریننده پنج گنج، شاعران بسیاری، به پیروی از این شاهکار ادب فارسی، مثنوی‌ها و حتی خمسه‌هایی سرودند که بعضی از آنان مقامی شایسته در عرصه شعر داستانی فارسی احراز کردند. میرزا جعفر بیک آصف خان قزوینی متخلص به «جعفری»، شاعر و سیاست‌پیشه ایرانی اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم هجری یکی از اینان است.

دوران حیات

میرزا قوام‌الدین جعفر بیک قزوینی مشهور به آصف خان و متخلص به «جعفری» یا «جعفر» (۹۵۸-۱۰۲۱) در قزوین متولد شد. پدرش بدیع‌الزمان، فرزند ملای دوات دار، و عمویش غیاث‌الدین علی (وفات: ۹۸۹)، رجل سیاسی دربار اکبرشاه (حکومت: ۹۶۳-۱۰۱۴)، بود. بدیع‌الزمان، در زمان سلطنت شاه طهماسب اول (۹۳۰-۹۸۴)، وزیر ولایت کاشان شد و آصف خان دوران نوجوانی را در این شهر به سر برد. در همین اوان بود که زلزله‌ای مهیب در کاشان روی داد که آصف خان، در تاریخ الفی، گزارش مبسوط آن و تلفات و ویرانی‌های آن را گزارش کرده است.

جعفر بیگ، به روزگار کودکی و نوجوانی، با پشتکار و علاقه به دانش‌اندوزی پرداخت. وی، از همان ایام، شعر گفتن آغاز کرد. با شاعران قزوین، چون میرزا سلمان حسابی و ضمیری اصفهانی، در مکتب‌خانه ملا خلیل مشاعره می‌کرد. در تذکره میخانه آمده است که وی، در جوانی، طبع آزمایی می‌کرد: دیوان شعر شرف جهان را پیش رو می‌نهاد و، به اقتضای غزل‌های آن، ایاتی می‌سرود. روزی ضمیری شاعر، برای امتحان، از او پرسید در برابر بیت

اوراق گل ز حرف وفا ساده یافتم
بر حال بلبلان چمن خون‌گریستم

چه گفته است. جعفر پی برد که نظیره گوئی این قبیل اشعار در حد او نیست، از تتبع دیوان شرف جهان دست کشید و سروده خود را به آب شست. گفته‌اند آصف خان با پدرش میانه‌ای نداشت. بیت زیر

میانه من و یوسف همین قدر فرق است
که او عزیز پدر بود و من ذلیل پدر

در عرفات العاشقین از او نقل شده که نمودار این سردی رابطه است. (اوحدی بلیانی، ص ۱۶۵) جعفر بیگ تا سال ۹۸۵ در ایران زیست. در این سال، شاه اسماعیل ثانی درگذشت و، چون همه شاهزادگان صفوی را پیش از مرگ کشته بود و جانشینی نداشت، آشوب‌هایی در کشور به وقوع پیوست و گروهی از دانشمندان و شاعران نامی، همانند اسلاف خود، رهسپار هند شدند. میرزا جعفر در زمره این گروه بود. وی، به آهنگ دیدار عمّش غیاث‌الدین علی، به هند رفت. در ابتدا، کارش رونقی نیافت و اکبر شاه به او منصب بیستی داد که درخور او نبود و از قبول آن خودداری کرد و در بیت زیر

من و داخلی وانگهی بیستی
که مادر مبیناد این نیستی

نارضائی خود را منعکس کرد. این بیت سر زبان‌ها افتاد. اکبر شاه را خوش نیامد و او را به صوبه داری به بنگاله تبعید کرد. جعفر بیگ مدتی در آن دیار به سر برد. اما واقعه‌ای رخ داد که سبب محبوبیت او شد: در بنگاله، دو تن از امرا، معصوم کابلی و قاق شال، بر اکبر شوریدند و از جعفر بیگ خواستند به آنان بپیوندند. وی نپذیرفت و به حيله از چنگ آنان گریخت و به نزد اکبر شاه بازگشت. شاه نخست منصب سه‌هزاری سپس پنج‌هزاری، از مناصب مهم نظامی هند، به او تفویض کرد. پس از چندی، مقام میربخشی‌گری به او واگذار گشت و، چون عمویش غیاث‌الدین درگذشت، لقب آصف خان به وی عطا

شد. سپس حکومت کشمیر یافت و چند مأموریت نظامی را با موفقیت انجام داد؛ در اواخر دوران سلطنت اکبر شاه به مقام دیوانی گل، که همانند وزارت بود، دست یافت. آصف خان، پس از درگذشت اکبر شاه (۱۰۱۴)، در زمان سلطنت جهانگیر (۱۰۱۴-۱۰۳۷)، همچنان در صف رجال اول کشور جای داشت. مدتی حاکم بیهار بود؛ سپس اتابیکی (= لنگی) شاهزاده پرویز، پسر جهانگیر، به او واگذار شد. وی، به سال ۱۰۱۸، در التزام این شاهزاده، برای رفع اغتشاشات دکن به آنجا رفت. اما کاری از پیش نبرد. پس از مدتی، به بیماری افلیج دچار شد و در دکن درگذشت و در برهانپور به خاک سپرده شد.

آرامگاه او، در کنار مقبره انیسی شاملو، از شاعران ایرانی مهاجر به هند، قرار دارد و بر فراز هردو بنایی عالی برافراشته‌اند (گلچین معانی ۱، حاشیه تذکره میخانه، ص ۳۰۰). ماده تاریخ وفات او «صد حیف ز آصف خان» است.

پس از وفات آصف خان، اموال او که به یک و نیم کرور روپیه تخمین زده شده، به رسم زمان، به خزانه پادشاهی انتقال یافت. اما جهانگیر فرزندان و نزدیکان او را نواخت و مناصبی به آنان عطا کرد.

آصف خان هم امیری برجسته و فاتح بود هم در مقام ادبی از ادیبان طراز اول عصر خود به شمار می‌رفت. وی با بیشتر رجال عصر اکبر شاه و نورالدین جهانگیر مراد و با بعضی از آنان، چون عبدالرحیم خان خانان، مکاتبه دوستانه داشت. برخی از مکتوبات او انتشار یافته که نمودار ذوق او در نامه‌نگاری است. شرکت او در جنگ‌های بزرگ و ابراز لیاقت و کاردانی و فتوحاتی که نصیبش شده بود شهرت فراوان برایش به ارمغان آورد و پیوسته بر مناصب و مقام او افزوده می‌شد. وی، سرانجام، به صدارت جهانگیر برگزیده شد.

آصف خان با فراست و کاردان بود و هوش سرشار داشت. خود او گفته بود «اگر کلامی بشنوم و فی الفور به فهم من نیاید، دانم که بی معنی است» (هاشمی سندیلوی، ج ۱، ص ۵۸۸). به یک نگاه، سطری را می‌خواند. خوشنویس بود؛ به ویژه در تعلیق نویسی مهارت داشت. ابوالفضل علامی (۹۵۸-۱۰۱۱) در حق او گفته که در نویسندگی و طنزپردازی و بذله‌گویی استاد بود. (علامی، ج ۱، ص ۳۰۶)

آصف خان، در دوران مسندنشینی، از دانشمندان و شاعران ایرانی که به هند مهاجرت کرده بودند حمایت می‌کرد. از جمله شاعران تحت حمایت آصف خان بودند غیاث‌الدین علی اصفهانی که در هند به گیانای اصفهانی شهرت داشت؛ میرزا حیدر معمائی کاشانی؛ رکن‌الدین مسعود کاشانی؛ شاپور تهرانی؛ اوجی کشمیری، که وی برخی از آنان را به اکبر شاه معرفی کرده بود. مع الوصف، اوحدی بلیانی، مؤلف تذکره عرفات العاشقین، که ظاهراً از آصف خان دلخوش نبود، به‌رغم دیگران، از خصوصیات اخلاقی وی انتقاد کرده و خست او را در صله دادن نکوهیده و گفته است که آصف مدایح شاعران را با شعر پاسخ می‌داد.

آصف خان همسران متعدّد داشت و پسرزاد ورود بود. برخی فرزندان و نزدیکان او بنده: شایسته خان، فرزند ارشد وی، که در عصر جهانگیر به منصب پنج‌هزاری و صوبه‌داری ناحیه دکن رسید و هزار و هفتصد منصب دار مهم زیر دست داشت و، با این همه، فروتن و مردم‌دار و، در عین حال، محتشم بود (بهکری، ج ۱، ص ۱۸۸-۱۸۹). میرزازین‌العابدین، فرزند دیگرش، که به منصب هزار و پانصدی رسید و به سال ۱۰۳۸ درگذشت. میر محمد باقر خان، برادرزاده و دامادش، که از رجال و امیران نامی بود؛ در ابتدا، صوبه‌دار گجرات سپس بنگال شد و، در آخر عمر، به صوبه‌داری پُتنه رسید و در همان جا درگذشت. میرزا یعقوب بیگ، فرزند شاه بیگ خان کابلی، داماد دیگر او، که پیشرفتی نکرد و به مقامی دست نیافت. میرزا جلال، پسر سوم امیرالامرا و آخرین داماد آصف خان، که از مقرّبان اکبر شاه بود. وی، پس از فوت آصف، دختر او را طلاق داد. (← همان، ج ۲، ص ۱۸۸ به بعد، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۸۹)

آثار

آصف خان، هرچند بیشتر اوقات به امور اداری و نظامی اشتغال داشت، در اوقات فراغت، آثار منظوم و منثور ارزنده‌ای پدید آورد. در اینجا، تألیفات و منظومه‌های وی به اختصار معرفی می‌شوند:

تاریخ الفی - پس از کشته شدن ملا احمد تتوی، مؤلف اصلی این کتاب حجیم، ادامه کار او از جانب اکبر شاه به آصف خان محوّل شد. او گزارش حوادث سال‌های ۶۹۴ تا ۱۰۰۰ را به تنهایی نوشت. تاریخ الفی به ویژه بخش مربوط به حوادث عصری آن، از منابع مهم

تاریخ ممالک اسلامی و حایز اهمیّت خاصّ است. اما گزارش حوادث سال‌های ۹۸۴ تا ۱۰۰۰ آن تاکنون به دست نیامده است.

حدائق الشعراء یا تذکره آصف خانّی - از این تذکره، میرزا میربیگ بنارسی در اثر خود استفاده کرده اما امروزه، از آن، نشانی در دست نیست.

تنظیم و تدوین دیوان میرزا سنجرکاشی - نسخه مدوّن آصف خان از این دیوان در کتابخانه ملّی ملک به شماره ۵۱۵۸ نگهداری می‌شود و خطّ و مهر او در پشت جلد آن دیده می‌شود.

دیوان اشعار - بیشتر سروده‌های آصف خان در قالب قصیده، مثنوی، غزل، قطعه، و رباعی است و حکایت از ذوق و تسلّط او در یافتن مضامین تازه دارد. آصف خان روان و آسان شعر می‌سرود. ابیاتی از او که در تذکره‌ها نقل شده گواه این معنی است. در تذکره‌ها بعضاً احوال او ذیل تخلّص‌هایش («جعفر» و «جعفری») آمده است. سروده‌های او دو دسته‌اند: از آن دوران اقامت در ایران و ایام جوانی که برخی از آنها را خود به آب شست و از بقیه اثری در دست نیست؛ از آن دوران کمال و اقامت در هند که فخرالزمانی قزوینی، صاحب تذکره میخانه، مجموع آنها را حدود سه هزار بیت شمرده اما ایات کلیّات او محفوظ در موزه بریتانیا بیش از آن است. قصاید آصف خان بیشتر در مدح اکبر شاه و جهانگیر و شماری از آنها در نعت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و مناقب حضرت امیر علیه السّلام است. به گفته گلچین معانی، غزل‌های او با سبک و سیاق مکتب وقوع مطابقت دارد.

لیلی و مجنون - بهکری در ذخیره الخوانین (ج ۱، ص ۱۸۸)، از این منظومه، که خود آن را دیده، یاد کرده است. اما امروزه نشانی از آن در فهراس نسخ خطّی دیده نمی‌شود.

فرهاد و شیرین - این منظومه، که شهرت آصف خان به عنوان شاعر و ادیب مرهون آن است، به پیروی از خسرو و شیرین نظامی، در بحر هزج (مسدّس مقصور و محذوف)، به نام نورالدین جهانگیر، سروده شده و حاوی حدود ۲۵۰۰ بیت است. در تذکره‌ها و فهرست‌های نسخ خطّی، از آن با نام‌های نورنامه (به نام نورالدین جهانگیر شاه)، خسرو و شیرین، شیرین و فرهاد نیز یاد شده است. قول مشهور آن است که شاعر تحریر دوم آن را نورنامه نام نهاد و به جهانگیر اهدا کرد. به هر حال، نام مشهور این اثر فرهاد و شیرین است.

شمار ابیات آن را تذکره نویسان بین دو تا سه هزار بیت، از جمله فخرالزمانی قزوینی، در تذکره میخانه، دوهزار و اوحدی بلیانی، در عرفات العاشقین، دوهزار و پانصد بیت نوشته‌اند. اما در نسخه‌های خطی منظومه، شمار ابیات بیش از اینهاست.

ابیات این مثنوی، همچون سروده‌های دیگر آصف خان، ساده و روان و خالی از تعقید و ابهام است. بیشتر تذکره نویسان و مورخان از جمله نصرآبادی (ص ۵۳) گفته‌اند پس از نظامی کسی همانند آصف از عهده تقلید خسرو و شیرین نظامی برنیامده است. اما علی ابراهیم خان بنارس، صاحب تذکره خلاصه الکلام، شامل احوال و نمونه اشعار مثنوی سرایان بنام، که در سال ۱۱۹۸ تألیف شده، اشعار آصف خان را آماج انتقاد ساخته به ویژه برای ابیات فرهاد و شیرین فراوان خرده گرفته است. وی ۶۳۳ بیت این مثنوی را با تصرف و دستکاری نقل و، به قول خود، در آن تصحیحاتی وارد کرده است. وی، در این باره، گفته است:

اما آنچه معلوم محرز این اوراق شد، شاعر مذکور از جنس سخنوران قوی حال نیست... از دوهزار و دو صد و شصت [۲۲۶۰] بیت اصل، ششصد و سی و سه [۶۳۳] بیت، به استصواب خواجه عبدالله سلمه الله، به انتخاب رسیده و، در این منتخب، اکثر جا تصرفات شایسته به کار رفته؛ اکنون که هر بیت این مثنوی از جای خود سفر کرده و به غربت دور افتاده، اگر در نظر بیننده اصل آن درآید، برزمره منکران قلب ماهیات، هزار نکته خواهد گرفت. (خلاصه الکلام میکروفیلم محفوظ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۸۸۹۰ از نسخه خطی محفوظ در کتابخانه بادلیان به شماره ۱۷۲۱، به نقل از گلچین معانی ۲، ج ۱، ص ۶۰۳)

به احتمال قوی، شاعر دو تحریر از این مثنوی پدید آورده و بار دوم، همچنان که هرمان اِته (ص ۸۳) اظهار نظر کرده، برخی تغییرات و تصرفات در آن وارد ساخته است. تحریر اول قبل از سال ۹۹۵، در زمان سلطنت اکبر شاه صورت گرفته و با این بیت آغاز می شود:

خداوندا دلی ده شاد از اندوه در او گنجایش غم کوه تا کوه

تحریر دوم به اواخر حیات شاعر تعلق دارد که، به نام نورنامه، به جهانگیر تقدیم شده است. اختلافات پر شمار نسخه‌های خطی چه بسا ناشی از تفاوت‌های دو تحریر باشد. در معرفی نسخه‌های خطی (← پایین)، بیت آغازین مثنوی در هر یک را نقل کرده‌ایم تا قرینه‌ای باشد برای بازشناسی تعلق آن. بیت اول تحریر دوم چنین است:

خداوندا رهی از غیب بنمای ز غیب چشم دل بر عیب بگشای

متذکر می شویم که مثنوی دیگری به نام خسرو و شیرین در دست است که سرآغاز

آن همانند تحریر دوم و نهائی منظومه آصف خان است. این مثنوی در ذی حجه ۱۲۹۴ در لکهنو به چاپ رسیده و سراینده آن نظام الملک میرقمرالدین بهادر فتح جنگ (۱۰۸۲-۱۱۶۱)، ملقب به آصف جاه و متخلص به «شاکر»، بنیادگذار سلسله نظام حیدرآباد دکن، معرفی شده که احتمال دارد نسخه‌ای از یکی از تحریرهای فرهاد و شیرین آصف خان باشد. این چاپ به کلی نایاب است و با تفحص فراوان در کتابخانه‌های ایران به آن دسترسی پیدا نشد. اما از فهرست کتاب‌های فارسی چاپ سنگی و کمیاب کتابخانه گنج‌بخش (نوشاهی، ج ۱، ص ۶۲۵) برمی آید که نسخه‌ای از این چاپ در آن کتابخانه وجود دارد. مثنوی در فهرست مذکور با ابیات آغازین زیر معرفی شده است:

خداوندا ره‌ی از غیب بگشای ز غیب چشم دل بر عیب بگشای
به هر عیبی که باشد عیبناکم به رحمت کن ز غیب از عیب پاکم

اشاره به این نکته ضروری است که در تذکره‌ها و کتب تاریخ، منظومه‌ای به نام خسرو و شیرین و امثال آن به آصف جاه نسبت داده شده و ظاهراً کسانی که متصدی چاپ آن در قرن گذشته بوده‌اند آصف جاه و آصف خان را خلط کرده‌اند. استاد مجتبائی نیز، در مقاله «آصف جاه، نظام الملک» (دایرة المعارف بزرگ اسلامی) اشاره کرده‌اند که، به رغم انتساب مثنوی یادشده به آصف جاه، در منابع دست اول مطلقاً به این انتساب اشاره نشده است.

نسخ خطی فرهاد و شیرین

نسخه‌های خطی متعدد این مثنوی در کتابخانه‌های جهان محفوظ است که اقبال به آن را نشان می‌دهد. مع الوصف تاکنون به تصحیح و انتشار آن اقدام نشده است.

نسخه‌های شناخته شده این مثنوی به شرح زیر است:

کتابخانه بادلیان

— نسخه خطی شماره 1070 (شماره 88/3 از مجموعه اوزلی)، مورخ ۱۵ جمادی الاول ۱۱۸۴، به کتابت محمدکاظم اردبیلی، به نام شیرین و خسرو، دارای ۲۲۴ صفحه هر صفحه حاوی هفده بیت. انجامه آن:

فقیر حقیر محمدکاظم اردبیلی حسب الحکم [در نسخه: حسب بالحکم] خان
رفیع القدر و المکان عالی شان نواب مظفر خان در لشکر ظفر اثر رنگا تحریر نمود.
فی التاریخ پانزده شهر جمادی الاولی سنه ۱۱۸۴.

میکروفیلم این نسخه به شماره ۱۰۱۶/۳ و تصویر آن به شماره‌های ۲۹۷۱ تا ۲۹۷۳ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است. لیکن، به هنگام صحافی اوراق، آشفستگی‌هایی رخ داده و بخشی از صفحات جلد ۲۹۷۲ و جلد ۲۹۷۳ در هم تداخل یافته است. صفحات عکسی هم، به دلیل نگاتیو بودن فیلم، خوانا نیست. نسخه با این بیت شروع می‌شود:

خداوندا رهی از غیب بنمای ز غیب چشم دل بر عیب بگشای

و با این بیت خاتمه می‌یابد:

ز زر چندانکه در کان بیش و کم داشت ز گهر آنچه دریا در شکم داشت

— نسخه خطی شماره ۱۰۶۸، مصور و مرتب، و هر صفحه آن حاوی پانزده بیت،

با بیت زیر آغاز می‌شود:

خداوندا دلی ده شاد از اندوه دراو گنجایش غم کوه تا کوه

— نسخه خطی مورخ ۱۰۹۷ ق شماره ۱۰۶۹ که با ابیات زیر آغاز می‌گردد:

خداوندا رهی از غیب بنمای ز غیب چشم دل بر عیب بگشای

به هر عیبی که باشد عیبناکم به رحمت کن ز غیب از عیب پاکم

بیت آغازی نسخه ۱۰۶۸ در صفحات اول چنین آمده است:

دل غمگین ز شادی شاد از اندوه دراو گنجایش غم کوه تا کوه

این نسخه به خط نستعلیق و هر صفحه حاوی پانزده بیت است.

— نسخه خطی شماره ۱۰۷۱، تاریخ کتابت مشخص نیست، به خط شکسته نستعلیق،

هر صفحه حاوی هفده بیت، با بیت زیر شروع می‌شود:

خداوندا دلی ده شاد از اندوه دراو گنجایش غم کوه تا کوه

موزه بریتانیا

— نسخه خطی مورخ حدود قرن ۱۱ ه شماره 3274 Or، کلیات آصف خان و

مجموعه‌ای از سروده‌های اوست. فرهاد و شیرین در ابتدای آن جای گرفته و، پس از آن،

قصاید، غزلیات، ترجیعات، و رباعیات آمده است. شاعر، بر این مجموعه، مقدمه

مفصلی در شرح حال خود نوشته است. این نسخه به خط نستعلیق در ۱۰۲ برگ

هر صفحه حاوی پانزده بیت روی کاغذ خوب کتابت شده. ۷۹ برگ اول فرهاد و شیرین و بقیه سروده‌های دیگر اوست.

فرهاد و شیرین با این بیت شروع می‌شود:

خداوندا رهی از غیب بنمای ز غییم چشم دل بر عیب بگشای

و با بیت زیر خاتمه می‌یابد:

ز زر چندانکه در کان بیش و کم داشت ز گوهرا آنچه دریا در شکم داشت

— نسخه خطی شماره ۳۲۷۵ Or، این نسخه در حدود قرن ۱۱ هـ به خط نستعلیق خوش نوشته شده، ۶۲ برگ دارد و هر صفحه حاوی پانزده بیت است و با این ابیات آغاز می‌شود:

خداوندا دلی ده شاد از اندوه دراو گنجایش غم کوه تا کوه

دلی از خار خار عشق پرنیش ز هر نیشی دو صد جا بیشتر ریش

و در وصف جهانگیر چنین گوید:

جوان شد بار دیگر عالم پیر به عهد شاه نورالدین جهانگیر

کتابخانه بانکی پور [پسته]

— نسخه شماره ۵۳۰ HL که بردست مرید خان در ۸ رمضان ۱۱۵۰ کتابت شده است. در صفحه پایانی، چند رباعی از «شاه عالم پادشاه غازی» درج شده است. نام مثنوی در این نسخه خسرو و شیرین است. مهر چند تن، که احتمالاً مالک نسخه بوده‌اند، در آن دیده می‌شود. از جمله مهرهای «فدوی فاضل خان خانه‌زاد پادشاه عالمگیر غازی سال ۱۱۱۳» و «ملا محمد حسین کشمیری»، از ملازمان اکبر شاه، در صفحاتی از نسخه مذکور زده شده است. سال تألیف مثنوی در پایان این نسخه چنین به نظم درآمده است:

شدم در مثنوی دنبال تاریخ هزار و نوزده شد سال تاریخ

در فهرست کتابخانه بانکی پور نسخه دیگری از فرهاد و شیرین به همین شماره وارد شده است. بنا به تصریح عبدالمقتدر در مرآت العلوم (ج ۱، ص ۸۹)، این نسخه، به خط خوش، شصت و سه برگ دارد و هر صفحه حاوی یازده بیت و کاتب آن ملا محمد حسین کشمیری است.

لاهور (کتابخانه شخصی حکیم محمدنبی خان جمال سویدا)
- نسخه خطی مورخ ۱۰۵۷ به خط نستعلیق ملا محمد بن حاجی محمود، حاوی ۳۷ صفحه و حدود ۱۱۴۰ بیت که با بیت زیر آغاز می شود:
خداوندا دلی ده شاد از اندوه دراو گنجایشِ غم کوه تا کوه

کتابخانه سالار جنگ

- نسخه خطی شماره ۱۸۰۵ که به خط نستعلیق بسیار خوش عبدالله تبریزی در سال ۱۰۴۱ کتابت شده است. صفحات اول و عناوین آن مذهب است. نسخه حاوی پنج مینیاتور است و با این بیت آغاز می شود:
خداوندا دلی ده شاد از اندوه دراو گنجایشِ غم کوه تا کوه
و پایان آن چنین است:
که حال جوی شیرین باز داند به استقبالش آرد گر تواند

کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران

- گزیده خسرو و شیرین آصف خان در جنگ شماره ۴۸۶۴/۱۰۷ که حاوی صد و چهل هشت کتاب و رساله و منظومه است و آن را کاتبی ناشناس در قرن یازدهم هجری گرد آورده و به خط نستعلیق ریز نسبتاً خوش نگاشته است. جنگ حاوی ۴۳۴ برگ است و صفحات ۳۳۴ تا ۳۵۲ آن (در فهرست کتابخانه به اشتباه ۳۳۴-۳۶۲ ذکر شده است) گزیده مثنوی آصف خان است. از ابیات انتخابی برمی آید که گرد آورنده جنگ ذوقی داشته است. گزیده حدود ۹۳۶ بیت است و با این بیت آغاز می شود:
همه مانده ز همراهیش واپس خدا همراهی او کرده و بس
و با این بیت ختم می شود:

به اول گام چون شد قامتش راست صنم صد ره ز پا افتاد و برخاست

کتابخانه ملی ملک

- نسخه خطی شماره ۳۸۴۴/۲۷ گزیده مثنوی فرهاد و شیرین آصف خان است در پنج برگ (۱۷۴ تا ۱۷۹) حاوی حدود ۵۸۰ بیت که با این بیت آغاز می شود:
همه مانده ز همراهیش واپس خدا همراهی او کرده و بس

و با این بیت خاتمه می‌یابد:

گرو برده ز چالاکِی ز افلاک سرِ خورشید را برداشت از خاک
این نسخه کاملاً فرسوده و از هم پاشیده است.

کتابخانه مسجد اعظم قم

— نسخه متأخر شماره ۱۸۹۲، فاقد تاریخ کتابت، حدود ۲۰۰ برگ. در آخر آن،
تخلُّص «ثنا» یا «ثنائی» دیده می‌شود و احتمال دارد مثنوی دیگری به آن ملحق
شده باشد.

در پایان، گزیده‌ای از این مثنوی که تاکنون به چاپ نرسیده، از نسخه خطی شماره ۱۰۷۰
بادلیان، که این جانب تصویری از آن را در اختیار گرفته، نقل می‌شود:

آغاز فرهاد و شیرین

خداوند را ره‌ی از غیب بنمای ز غیب چشم دل بر عیب بگشای
به رحمت کن ز غیب از عیب پاکم به هر عیبی که باشد عیبناکم
ز عیب خود پسندی پاکیم ده ز شادای جهان آزادیم ده
دلِ غمگین ز شادی شاد از اندوه درو گنجایش غم کوه در کوه
دلی از خار خارِ عشق پُرنیش ز هر نیشی دو صد جا بیشتر ریش

آغاز داستان کتاب

به عزلت دوش رسم نو نهادم که یک در بستیم و صد در گشادم
به خلوت قدسیان را بار دادم ز سلطان را رخصت گفتار دادم
سکندر کو که وقت کامرانی است صلاهی عام آب زندگانی است
نه من خضرم که چون شربت کنم نوش کینم لب تشنه یاران را فراموش
حیات جاودان بخشید اگر می به تنهایی چه لذت باشد از وی

در سبب نظم کتاب و شکایت از وطن

کشانم می‌برد همّت به راهی که در هر گامش آماده‌ست چاهی
درین ره سخت ترسان می‌نهم گام خدا داند که چون باشد سرانجام

خطر ترسندگان را بیش باشد
نپنداری که از جنس بشر بود
خرد بر خط انصافش قلم زد
بکوشم تا برآیم یا بمیرم
سخن درمهد گفتم چون مسیحای
زبان شیرین و لب آلوده شیر
سخن با من ز طفلی در سخن بود
زمقصودم فلک محروم چون خواست
به شمشیر و قلم مشغولیم داد
وطن نبود ز زندان هیچ کمتر
به گوهرریزی هندوستان نیست
شکر هم زان زمین پاک خیزد
چو دادم طوطیان را ارمغانی ...
رهین منت آن شهریارم
چو من آزاده‌ای را بنده کرد دست
به عهد شاه نورالدین جهانگیر
فلک بیهوده خود را رنجه دارد
قدم در شاهراه مستنوی زد ...

رهی تاریک چون در پیش باشد
نخستین پیشوا کاین راه پیمود
درین ره بعد از هر کس قدم زد
کنون در تنگنای چه اسیرم
نه امروز سخن شد کارفرمای
مرا بود از عنایت‌های تقدیر
به دستم لوح و گوشم بر سخن بود
به هنگامی که دانستم چپ از راست
ز اقلیم سخن معزولیم داد
به معدن چون ندارد قدز گوهر
چو ایران گرچه جایی در جهان نیست
گهرها جملگی زان خاک خیزد
به شکرریزی و گوهرفشانی
سخن بی‌پرده گویم شرمسارم
کز احسانم ز خود شرمنده کرد دست
جوان شد بار دیگر عالم پیر
که با او طاقیت سرپنجه دارد
به دهلی آن که لاف خسروی زد

عشرت کردن خسرو و شیرین

گهی صیاد هم گشته گهی صید
دل از غم خط آزادی گرفته
شده باقی و برمالیده ساعد
زبان مفتح گنج راز دل شد
سر دست صنم بگرفت با جام
به تو روشن جهان را چشم امید
بده بوسی که هم نقل است و هم می
به خوزستان شکر از شرم بگداخت
که از مستی ندانی ساغر از دست
به شکرخنده‌ای شیرین نشد لب

دو شیرافکن ز عشق افتاده در قید
زبان هر دو از شادی گرفته
چو شیرینی ز اقبال مساعد
ملک را باده غم‌پرداز دل شد
هوس مطلق عنان شد شوق خودکام
که ای شرمنده از روی تو خورشید
چنین بی‌نقل دادن باده تاکی
لب شیرین چو طرح پاسخ انداخت
که می کم خور که گشتی آن چنان مست
صنم را زین خجالت دیگر آن شب

صبحی زدن شیرین

صبحی از سعادت بسته آیین
درو دل بر مرادِ خویش پیروز
چو صبحِ عارضِ خورشید بی‌شب
شبش ببالین و بستر بود از گُل
چو مَه جام از می نورش لبالب
بسه خوابش کرده از افسانه بلبل
صبحی کرده گویا با شکرخواب
لبش از می زُخْش از حُسن سیراب
چو بختِ خسرو و رخسارِ شیرین
به شیرین عید و برپرویز نوروز
که دریابد صفای صبح گلزار
نسیم از روی مهرش کرده بیدار

منابع

- آته، هرمان، تاریخ ادبیات فارسی، ترجمه رضازاده شفق، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران ۱۳۳۷.
 اوحدی بلیانی، تقی‌الدین، عرفات العاشقین، نسخه خطی شماره ۵۳۲۴ کتابخانه ملی ملک، براساس نسخه
 عکسی دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
 بهکری، شیخ فرید، ذخیره الخوانین، به اهتمام سید معین‌الحق، کراچی، ۱۹۶۱.
 عبدالمقتدر، خان‌بهداد مولوی، مرآت العلوم (فهرست کتابخانه بانکی پور)، پتنه ۱۹۲۵.
 علامی، ابوالفضل، آئین اکبری، کلکته ۱۸۷۷-۱۸۸۶.
 فخرالزمانی قزوینی، ملا عبدالنسی، تذکره میخانه، به تصحیح احمد گلچین معانی، اقبال، تهران ۱۳۷۵.
 گلچین معانی، احمد (۱) ← فخرالزمانی قزوینی.
 — (۲)، تاریخ تذکره‌های فارسی، دانشگاه تهران، تهران ۱۳۴۸.
 مجتبیائی، فتح‌الله، «اصف جاه، نظام‌الملک»، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، ص ۴۱۶-۴۱۸.
 نصرآبادی، میرزا محمد طاهر، تذکره نصرآبادی، به تصحیح وحید دستگردی، فروغی، تهران ۱۳۱۷.
 نوشاهی، سید عارف، فهرست کتاب‌های فارسی چاپ سنگی و کیمیا کتابخانه گنج‌بخش، مرکز تحقیقات فارسی
 ایران و پاکستان، اسلام‌آباد ۱۳۶۵ ش.
 هاشمی سندیلوی، احمدعلی خان، مخزن الغرایب، به تصحیح محمدباقر، دانشگاه پنجاب، پنجاب ۱۹۶۸.

منابع دیگر

- آذر بیگدلی، لطفعلی بیگ، آتشکده، به تصحیح حسن سادات ناصری، امیرکبیر، تهران ۱۳۵۴؛ ج ۳،
 ص ۱۱۵۶-۱۱۵۷.
 آفتاب رای لکه‌نوی، تذکره ریاض العارفین، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام‌آباد ۱۳۵۵ ش، ج ۱،
 ص ۱۵۴.
 آقابزرگ طهرانی، محمد محسن، الدرر، ج ۹، ص ۱۹۸؛ ج ۱۹، ص ۱۶۵.
 استادی، رضا، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مسجد اعظم قم، انتشارات کتابخانه، قم ۱۳۶۵ ش؛ ص ۱۶۳،
 ۳۰۲.

افشار، ایرج و دیگران، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی ملک، تهران ۱۳۶۹؛ ج ۷، ص ۸۳، ۹۱.
بدائونی، عبدالقادر، منتخب التواریخ، به تصحیح مولوی احمدعلی صاحب، کلکته ۱۸۶۹؛ ج ۳،
ص ۲۱۶-۲۱۸.

جعفر حلیم، سید حسین، شرح احوال و آثار عبدالرحیم خان خانان، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان،
اسلام‌آباد ۱۳۷۱ ش؛ ص ۱۸۳-۱۸۴، ۱۸۸.

جهانگیر گورکانی، نورالدین، توزک جهانگیری، لکهنو ۱۸۶۵؛ ص ۱۰۹-۱۱۰.

حسن خان بهادر، سید محمد صدیق، شمع انجمن، هند ۱۲۹۳ ق، ص ۱۱۱.

حسینی سنبهلی، میرحسین دوست، تذکره حسینی، لکهنو ۱۲۹۲ ق، ص ۸۷.

خیامپور، عبدالرسول، فرهنگ سخوران، تبریز ۱۳۴۰؛ ص ۱۳۰.

دانش‌پژوه، محمدتقی، فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، دانشگاه تهران، تهران ۱۳۴۰؛ ج ۱۴،
ص ۳۸۸۳-۳۸۹۰.

—، فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه، کتابخانه مرکزی، تهران ۱۳۴۸؛ ج ۱، ص ۵۵۴.

صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات در ایران، فردوس، تهران ۱۳۶۶؛ ج ۵، ص ۵۱۵، ۵۹۶، ۹۲۹-۹۲۸.

گلچین معانی، احمد، کاروان هند، آستان قدس رضوی، مشهد ۱۳۶۹؛ ج ۱، ص ۲۸۳-۲۹۸.

—، مکتب وقوع در شعر فارسی، دانشگاه مشهد، مشهد ۱۳۷۴؛ ص ۲۳-۳۶.

گوپاموی، محمدقدرت‌الله، نتایج الافکار، به تصحیح اردشیر خاضع، بمبئی ۱۳۳۶ ش، ص ۱۵۵-۱۵۶.

مجتبائی، فتح‌الله، «آصف خان، میرزا جعفر»، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، ص ۴۲۰-۴۲۲.

منزوی، احمد، فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان،
اسلام‌آباد ۱۳۶۵-۱۳۶۷ ش؛ ج ۷، ص ۷۸۴-۷۸۵؛ ج ۹، ص ۱۸۵۱.

—، فهرست نسخه‌های خطی فارسی، مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای، تهران ۱۳۵۱، ج ۴، ص ۲۷۸۵، ۳۰۲۸.

—، فهرستواره کتاب‌های فارسی (بخش چاپ‌نشده)، منظومه‌ها، ذیل «خسرو و شیرین آصف خان و فرهاد
و شیرین آصف خان».

نفیسی، سعید، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، فروغی، تهران ۱۳۴۴؛ ج ۱، ص ۵۷۸، ۶۴۲.

هاشمی، سید عبدالقادر، «ترقیمه‌ها و مهرها و عرض دیده‌ها»، نامه بهارستان، س ۳، ش ۱ (تابستان ۱۳۸۱)،
ص ۲۴۸-۲۴۹.

Ashraf, Muhammad (1969), *Concise Descriptive Catalogue of the Persian Manuscripts in the Salar Jung Museum and Library*, Hyderabad; vol. V, pp. 94-95.

Erlé, Hermann (1889), *Catalogue of the Persian, Turkish, Hindústânî, and Pushtû Manuscripts in the Bodleian Library*, London; vol. I, pp. 667-670; vol. II, p. 1619.

Marshall, D. N. (1985), *Mughals in India*, London, pp. 213-214.

Rieu, Charles (1895), *Supplement to the Catalogue of the Persian Manuscripts in the British Museum*, London, pp. 200-201.

